

متن سخنرانی  
جناب آقای مرتضی محمدخان  
مقام محترم وزارت امور اقتصادی و دارائی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين انه خير ناصر و معين

ولادت با سعادت امام حسن عسگری (ع) را خدمت حضار محترم تبریک عرض می‌کنم، همچنین خیر مقدم می‌گویم خدمت علماء اعلام، اساتید محترم، همکاران گرامی و دانشجویان، خواهران و برادرانی که در این سمینار تشریف دارند.

خوشبختانه طی ۱۲ سال استقرار سیستم بانکداری بدون ربا در کشور که به فرموده مقام معظم رهبری همه عملیات آن اسلامیست مردم در کمال اطمینان در زمینه انطباق عملیات بانکی با ضوابط اسلامی ارتباط لازم با نظام بانکی برقرار نمودند. در یکی از جلسات گذشته نقل قولی از مقام معظم رهبری عرض کردم معظم‌له در پاسخ به سؤال یکی از دوستان در مورد شرعی بودن عملیات بانکی فرمودند، با توجه به اینکه قانون عملیات بانکی بدون ربا به تأیید فقهای شورای نگهبان رسیده است قطعاً حجت شرعی و بر همه تکلیف است که این عملیات را اسلامی بدانند. ضمن اظهار خوشحالی از تشکیل ششمین سمینار بانکداری اسلامی امیدوارم در نتیجه اینگونه گردهمایی‌ها، بتدریج سلطه فنی و علمی تحمیلی بیگانگان رخت برکند و با وثوق بر احکام شرعی در مورد معاملات بتوانیم جایگاه واقعی خود را در زمینه‌های مختلف بویژه بانکداری اسلامی بدست آوریم. لازم میدانم در این سمینار راجع به سیاستهای تثبیت اقتصادی که مورد توجه و تأکید مقام معظم رهبری نیز می‌باشد مطالبی را عنوان نمایم: این مطالب حول دو محور متمرکز می‌گردد: ۱ - چرا تثبیت نرخ ارز و ثبات اقتصادی ضرورت دارد؟ ۲ - چگونه سیاستهای پولی و اعتباری می‌تواند در خدمت این امر قرار گیرد؟

در فرصت کوتاهی که دارم، ناگزیر بایستی توجه حضار گرامی را به نقش فعالیتهای اقتصادی در انتهای برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی به ویژه در سالهای ۷۳-۷۲ معطوف دارم. علیرغم موفقیت‌های برنامه اول در زمینه توسعه اقتصادی کشور، در انتهای برنامه، دو نوع عدم تعادل در اقتصاد کشور بوجود آمد که تا بحال نیز ادامه دارد. تا زمانیکه این عدم تعادل استمرار داشته باشد تعقیب سیاست تثبیت اقتصادی نیز در جهت قرار گرفتن اقتصاد کشور در وضعیت تعادلی ضروری خواهد بود. همانطور که حضار محترم مستحضر هستند رشد تولید ناخالص ملی در طول برنامه دوم بطور متوسط حدود ۷/۳ درصد در سال بود. در سال گذشته رشد مذکور حدود ۶ درصد محاسبه گردید. به عبارت دیگر، از ابتدای برنامه تاکنون تولید ناخالص ملی حدود ۵۰ درصد بیشتر است. در همین مدت، رشد نقدینگی در جامعه حدود ۲۵۰ درصد بود، به عبارت دیگر طی این مدت نرخ رشد نقدینگی حدود ۵ برابر رشد تولید ناخالص ملی است. این فزونی رشد نقدینگی نسبت به رشد تولید ناخالص ملی در ساختار اقتصادی کشور ناهنجاریهایی بوجود آورد و عملاً فشارهای تورمی، انحراف در ساختار اقتصادی کشور و انحراف در سرمایه‌گذاری و مصرف اعم از مصرف دولتی و مصرف بخش خصوصی را موجب گردید. و بر نظام تولید تأثیر نامطلوب بر جای گذارد. البته بعد از تقریباً رکودی که در سالهای قبل از برنامه وجود داشت، آزادسازی اقتصادی می‌توانست از جمله سیاست‌های بسیار خوب و مثبتی باشد که با تزریق ارز ارزان، توجیه‌پذیری صنایع کشور و تولیدات را در ارتباط با امکانات در بخش‌های تولیدی زیربنائی فراهم نماید. مضافاً اینکه کلیه هزینه‌هایی که در طول برنامه انجام شد، عملاً منجر به افزایش تولید نگردید زیرا هزینه‌هایی که از نظر عمرانی و رفاه عمومی مورد نیاز است الزاماً به تولید تبدیل نمی‌گردد. از طرفی با توجه به مالکیت دولتی در اکثر شرکتها و موسسات تولیدی، نقدینگی بخش خصوصی عمدتاً در فعالیتهای غیر تولیدی بکار گرفته می‌شود و دولت نیز از محل درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی و فروش ارز حاصل از درآمدهای نفتی هزینه‌های بخش دولتی را تامین و مجدداً مبالغ معتناهی را به اقتصاد کشور تزریق می‌کند. بنابراین می‌بینیم که عدم تجانس در همین دو مقوله در اقتصاد کشور بوجود آمد و نقدینگی در اختیار بخش خصوصی با توجه به خصوصیات مربوط به بخش تولید کاهش پیدا کرد، ارز به ازای هر دلار ۷۰ ریال تبدیل به ارز به نرخ شناور شد و همراه با رشد قیمت آن سرمایه‌گذاری با مشکل جدی مواجه گردید. با آنکه سیاست‌های ضد تورمی از سوی ستاد تنظیم بازار بمنظور جلوگیری از افزایش قیمت‌ها به مرحله اجرا درآمد ولی آثار اقتصادی این نقدینگی در خصوص عدم تأثیر آن برطرف عرضه در اقتصاد کشور به گونه‌ای عمل کرد که این پول بخاطر وضعیت تورمی، رفتار کسانی را که منابع نقدی در اختیار داشتند تغییر داد، بطوریکه کارگزاران اقتصادی این منابع را به کالا تبدیل میکردند. به همین لحاظ سرعت در مصرف بوجود آمد و با توجه به محدود بودن منابع ارزی کشور و انعطاف ناپذیری نسبی

بخشهای تولیدی، با افزایش رشد بی‌رویه قیمتها مواجه شدیم، در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاری ظاهراً غیر منطقی بنظر میرسد، پروژه‌های عمرانی کشور عملاً راکد یا قیمت تمام شده آنها بسیار زیاد بود. تولید نوعاً از حالت عادی خارج و بعضاً موسسه‌ها یا بنگاه‌های تولیدی به بنگاه‌های بازرگانی تبدیل شدند. فرهنگ عمومی تولید تحت تاثیر قرار گرفت و عمدتاً مردم به دنبال این بودند که بتوانند کاهش ارزش پول خود را در اسرع وقت با خرید کالا جبران نمایند. با اینکه سال ۱۳۷۴ اولین سال و آستانه اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است از سال ۱۳۷۳ بمنظور جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمتها، ستاد تنظیم بازار تشکیل شد. در ابتدا مقرر بود که فقط کالاهای محدودی مشمول قیمت‌گذاری شود. لکن با توجه به تغییر مسیر نقدینگی بسوی کالاهای غیر مشمول به ویژه کالاهایی که دارای اثرات اقتصادی گسترده‌ای بودند، به تدریج کالاهای بیشتری مشمول قیمت‌گذاری گردید. سال گذشته شاهد آن بودیم که این نقدینگی به طرف کالاهای اساسی گرایش پیدا کرد، و تاثیر زیادی بر قیمت این نوع از کالاها بجا گذاشت. در نتیجه دولت تصمیم گرفت کالاهای اساسی را قیمت‌گذاری و مایحتاج عمومی را تامین نماید. و از طرف دیگر از سیستم قیمت‌گذاری داوطلبانه برای آگاه کردن مصرف‌کنندگان استفاده کند. با این حال این مسیر همچنان ادامه پیدا کرد و هرچه قیمت کالاها افزایش پیدا میکرد عملاً تاثیر روی قیمت ارز میگذاشت و با نوسانات قیمت ارز، قیمت کلینه کالاها در نوسان بود. این رشد رو به افزایش قیمتها دارای تاثیرات اجتماعی و سیاسی بسیار قوی بود و با تثبیت نرخ ارز که بعنوان یک شاخص در اقتصاد کشور بصورت محور درآمد بود از نوسانات مقطعی جلوگیری شد تا در عین حال با سیاستهای ساختاری تورم مهار و نابسامانی بوجود آمده در جامعه برطرف گردد. بنابراین ضرورت داشت سیاست تثبیت اقتصادی اجرا شود. در برنامه دوم هم رهنمودهایی در مورد سیاست ثبات اقتصادی وجود دارد. در هر حال پس از برنامه اول و بعد از آزادسازی بطور معمول نظارت بر حرکت‌های اقتصادی لازم بود و ضرورت ایجاب می‌نمود عملکرد گذشته و برنامه‌های آینده مورد بازنگری قرار گیرد. ثبات نرخ ارز، سرمایه‌گذاری در کشور را که متاثر از واردات کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه است تحت الشعاع قرار میدهد. در این شرایط سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۷۱ بطور مستمر رشد منفی داشت. با توجه به موارد فوق مشکلترین مساله در سیاستهای اقتصادی سال گذشته مساله تورم بود که همچنان از مسائل مطرح در اقتصاد کشور است. یکی از محوریت‌ترین مسائلی که باید با آن مبارزه کرد رشد بی‌رویه قیمتهاست و ضرورت دارد با عرضه کافی در تولید داخلی و واردات، بمنظور حصول اهداف برنامه دوم، به یک ثبات اقتصادی برسیم. تاثیر نرخ ارز بر سطح عمومی قیمتها در اثر افزایش تقاضا و با توجه به رشد هزینه‌ها نیز قابل ملاحظه است و این دو عامل در اقتصاد در حالت تورمی کشور تاثیر داشته است و عملاً منجر به وضع ناهنجار رشد قیمتها شد. ثبات نرخ ارز و ثبات سیاستهای اقتصادی کشور

در این برهه از زمان آرامش را در کشور بوجود آورد و اطمینان خاطر برای مصرف‌کنندگان جامعه و مردم ایجاد نمود. این امر میتواند روند سرمایه‌گذاری را منطقی کند و زمینه را برای بخشهای تولیدی از نظر سود و رشد مناسب فراهم آورد. بنابراین ثبات سیاستهای اقتصادی یکی از محوری‌ترین و ضروری‌ترین اقدامات برای مهار تورم است. بدیهی است افزایش تورم از رشد تولید ناخالص ملی میکاهد و ضرورتاً باید بتوانیم تورم را مهار کنیم و احتمالاً آنچنانکه در برنامه پیش‌بینی شده است نرخ تورم را به ۱۲ درصد در سال در انتهای برنامه برسانیم. از طرف دیگر درگذشته دو مکانیزم اجرایی در سیستم ارزی وجود داشت یک ارز دولتی بود که در جهت انجام سیاستها و برنامه‌های دولت مورد استفاده قرار میگرفت و دیگری ارز حاصل از صادرات غیر نفتی بود که در حاشیه مکانیزم بازار عمل میکرد و قیمتها نوعاً متأثر از قیمتهای نرخ مکانیزم بازار ارز تعیین میگردد. چنانچه نرخ آن در حیطه دخالت بازار گذاشته میشد با توجه به حالتهای دلال‌بازی و سوداگری نرخ ارز روز به روز بالا میرفت همانطور که در اوایل سال جاری نیز با آن مواجه بودیم. بنابراین نرخ ارز به قیمت ثابت هر دلار ۳۰۰ تومان، تثبیت شد که این نرخ تا آخر سال جاری نیز باقی است و برای سال آینده مجدداً باید ارزیابی شود با احتمال اینکه ممکن است این نرخ کمتر یا بیشتر شود. بدیهی است در سال آینده نیز همین سیاست کنترل قیمت پیگیری خواهد شد با اجرای سیاست جاری، ارز حاصل از صادرات، میتواند در خدمت اقتصاد ملی باشد. بنابراین با توجه به اینکه در همه بخشهای اقتصادی، تبعات و آثار ناشی از نرخ ارز تاثیرات خود را بر جای میگذارد، لازمه ادامه حرکت‌های اقتصادی، ثبات در سیاستها، بویژه تثبیت نرخ ارز است. البته ضرورت دارد سیاستهای اقتصادی دیگری هم دنبال گردد که مهمترین آنها خصوصی‌سازی است. ارائه سهام شرکتهای دولتی در بورس و یا به شکل مزایده میتواند حجم معتابیهی از این نقدینگی را جمع‌آوری کند و با فراهم آمدن منابع جدید مجدداً سرمایه‌گذاری در کشور افزایش یابد بنابراین این سیاستها، امنیت عمومی را برای مصرف‌کننده، تولیدکننده، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های عمرانی بوجود می‌آورد و از همه مهمتر تحریکات و فشارهای سیاسی را خنثی می‌نماید و برای اینکه این سیاستها بتواند ادامه پیدا کند نیاز به یک عزم ملی در زمینه مدیریت اعم از مدیریت کلان جامعه، مدیریت بخشهای اقتصادی کشور، مدیران میانی و کارشناسانی که در جامعه وجود دارند احساس میشود. این سیاست مورد تأیید مقام معظم رهبری و مقام محترم ریاست جمهوری قرار گرفته است و لزوم ادامه آن را تأکید فرموده‌اند. بنابر مراتب فوق سیاست مهار تورم از برنامه‌های اصلی دولت و خصوصی‌سازی از محورهای بسیار مهم دیگر است. با توجه به هدایت نقدینگی به بخشهای تولیدی حجم معاملات سهام در بورس اوراق بهادار در شهریور سال جاری نسبت به ماه مشابه سال قبل نزدیک به ۴ برابر گردیده است. در پنج ماهه اول سال ۱۳۷۴ نیز حجم این معاملات نسبت به پنج ماهه سال گذشته ۴۰/۲ درصد رشد داشته است و در ماههای تیر و مرداد

فعالیت بیشتری نسبت به ۳ ماه اول سال در بورس مشهود است و رویهم رفته علاقه بیشتری به خرید سهام در بورس بوجود آمده است. بنابراین مدیریت جامعه باید با اتخاذ سیاستهای واگذاری، نقدینگی سرگردان را به طرف بخشهای با ارزشی کمتر و زود بازده و پروژه‌هایی که به حالت نیمه تمام هستند سوق دهد تا انشاء... با یک عزم و اراده ملی، تورم در کشور کنترل شود و شاهد رونق و رشد و شکوفایی منطقی اقتصادی کشور باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته